

شیادی در پزشکی و پزشک‌نماها

«فصلی از کتاب در دست چاپ امداد دارویی»

قسمت آخر



دکتر محمدرضا توکلی صابری

باشد باز هم فرزند آن‌ها پسر می‌شود. چون مزاج رحم برگردد یعنی کمی گرم گردد به عبارت جدید (ترش) شود، فرزند آن‌ها دختر خواهد بود. **صفحه ۷ سطر ۲۴:** ... این عقیده‌ای است که هزار سال پیش در کتب خطی سنتی ایران نوشته شده و تازه زیست‌شناسان جدید پس از بیان هزاران فرضیه دیگر که غلط درآمده، به آن رسیده‌اند و آن را به زبانی علمی تر بیان می‌نمایند. اینجاست که ما عقیده داریم که نباید عقاید دانشمندان سنتی ایران را سرسری گرفت، بلکه باید کوشید تا به حقایق آنان پی‌برده و فرضیه‌های علمی آن‌ها را با فرضیه‌های جدید منطبق کرد.

رجحان طب سنتی در اینجا در این است که عقاید آن‌ها از هزار سال پیش تاکنون تغییری

■ کشفیات جدید و عقیده پیشینیان

در زیست‌شناسی جدید هم عقیده دارند که اگر تعداد ژن‌های کروموزوم که در نطفه است بیشتر باشد، پسرزا و اگر کمتر باشد دخترزا می‌شود و هم‌چنین ثابت شده است که اگر ترشحات رحم خانم لقاح‌قلیایی باشد، کروموزم‌های ماده‌ها از بین رفته و ابتکار عمل در دست نرزاها خواهد افتاد و چنانچه ترش شود نرزاها از بین رفته ماده‌ها باقی می‌مانند و نوزاد دختر می‌شود(!) حال اگر خوب توجه کنیم می‌توانیم بگوییم که این عقیده یکی بوده و فقط به دو صورت بیان شده است. در حقیقت بین عقاید قدیم و جدید فرقی نیست. اگر نطفه ژن بیشتر داشته باشد، قوی‌تر است و جنین پسر می‌شود. اگر مزاج رحم سردتر باشد و به عبارت جدید (قلیایی)

نکرده است ولی دانشمندان غربی در این مدت ده‌ها فرضیه غلط داده‌اند، تا امروز به همان نتیجه‌ای رسیده‌اند که دانشمندان سنتی ایران هزار سال پیش داشته‌اند. وقتی ما یک سلول با نطفه را در زیر میکروسکوپ‌های بسیار قوی چندین میلیون برابر بزرگ کنیم در اطراف هسته آن دانه‌های بسیار ریزی وجود دارد می‌بینیم. این رگه‌ها را امروزه کروموزم و دانه‌ها را که عامل انتقال وراثت هستند ژن گویند.

تعداد این رگه‌ها در نطفه انسان ۴۸ عدد است. داروسازان سنتی ایران بدون داشتن میکروسکوپ (توجه کنید بدون هیچ وسیله‌ای) عامل انتقال وراثت را عرق‌الداساس (رگه‌های همانندساز) می‌دانستند. ... و عقیده داشتند که تعداد رگه‌های همانندساز در ساختمان جنین ۹۹ عدد است.

صفحه ۱۰۸ سطر ۱۶ از قول درخت بید:
خوابیدن روی برگ من جهت رفع حرارت کبد و قلب مفید می‌باشد. خوابیدن در زیر سایه درخت من در روز برای تقویت قلب و اعصاب سودمند می‌باشد.

صفحه ۱۱۵ سطر ۵ از قول سداب: (مداومت در بوییدن برگ من باعث ضعف و تاریکی قلب است).

صفحه ۱۹۲ سطر ۱: (به عقیده نویسنده زبان خوراکی‌ها درختانی که خزان نمی‌کنند، دارای ماده‌ای هستند که مقاومت انسان(!) را زیاد می‌کند.) (این جمله در توصیف درخت کاج آمده است).

صفحه ۱۹۱ از زبان کاج: دود برگ من برای ضعف بینایی نافع است. (در سطر ۲۱ صفحه ۱۹۳ هم نیز به همین مطلب اشاره می‌کند).

صفحه ۱۹۸ سطر ۱۴ از قول اسطوخودوس:
اگر مبتلا به سردرد هستید، شب موقع خواب مقداری از گل یا عطر مرا در شب‌کلاه یا روسری خود بریزید و با آن بخوابید و روز بعد نتیجه آن را ببینید. (نتیجه خوردن گلبرگ‌ها و کثیف شدن موها و نیاز به شستشو است!)

صفحه ۲۰۰ سطر ۲ از قول «مورد»: بوییدن برگ من مقوی قلب و دافع خفقان است ...

صفحه ۲۵۱ سطر ۱۵ از قول میخک: شجاعت را زیاد می‌کنم.

■ **جلد سوم زبان خوراکی‌ها (چاپ دوم)**
صفحه ۱۴ از قول گل سرخ: گل من مقوی روح، نشاط‌آور است.

صفحه ۱۸ در خواص جلاب: جهت تقویت قلب و درمان خفقان و توحش و مالیخولیا و امثال آن ...
صفحه ۳۵ از قول جنطیانا: گویند مالیدن آن با خیار در کف دست قاطع خون قاعدگی است.

صفحه ۳۹ از قول انگور فرنگی: خوردن میوه من مسرت‌آور و ملین است.

صفحه ۶۹ از قول اکسیر ترکی: جویدن و در دهان نگه‌داشتن آن باعث زود به حرف آمدن اطفال می‌شود.

صفحه ۷۰ معجون اکسیر ترکی: در دفع خیالات باطله و تقویت معده توصیه می‌شود.

صفحه ۸۸ سطر ۱۵ از قول چوب چینی: من برای تقویت قوه باه و برگشت شهوت مایوسان تصفیه خون، معالجات روانی، انواع جنون، کندی ذهن، حواس پرتی، فراموشی مفید می‌باشم.

صفحه ۹۵ در خواص مائس هندی: جوشانده

■ خوردن آب سرد بعد از طعام گرم دندان را فاسد و خراب می‌کند.

■ هنگامی که خواستی به حمام بروی و دچار سردرد و زکام نشوی قبل از فرو رفتن در آب پنج جرعه از آب گرم تمیز بنوش که به اذن خداوند متعال از درد سر و درد شقیقه سالم می‌مانی و گفته شده که پنج کف آب گرم نیز بر روی سر ریخته شود.

صفحه ۷۲

■ هر که می‌خواهد به گوش درد مبتلا نباشد هنگام خوابیدن مقداری پنبه در سوراخ گوش خود بگذارد.

■ کسانی که از زکام در ایام تابستان ناراحتند هر روزه یک خیار بخورند و از نشستن در آفتاب پرهیز کنند.

■ آن کس که بخواهد سودا را بسوزاند به وسیله‌ای حالت قی در خود ایجاد کند و بسیار قصد نماید و زیاده نوره بکشد.

نویسندگان مطالبی که تا حالا خواندید همگی این موضوعات را به طور جدی مطرح کرده و از آن دفاع می‌کنند. بد نیست در پایان برای رفع خستگی از خواندن این همه لاطائلات و اطلاعات نادرست از صفحه ۳ چاپ ششم راهنمای نجات از مرگ مصنوعی جملاتی را نقل کنم تا انبساط خاطر شما فراهم آید. این کتاب حاوی دستورهای پزشکی برای تمام بیماری‌هاست! اما به این نکته نیز توجه داشته باشید که ساده‌دلان بسیاری از این کتاب استقبال کرده و دستورهای آن را به کار گرفته‌اند. از جمله یکی از بستگانم که روزی تپاله گاو را بر چشمانش مالیده بود تا درد آن بهبود یابد!

دانه‌های من را برای درمان تولد و سهولت زایمان نیز تجویز می‌نمایند. جوشانده سرشاخه‌های گلدار من قلب را قوی می‌کند.

صفحه ۱۱۵ سطر ۶ از قول کتان: پوشیدن لباس کتانی برای لاغر شدن و درمان امراض جلدی سودمند است.

صفحه ۱۳۲ سطر ۱ از قول وسمه: خضاب من با آب نمک برای سردرد نافع است.

صفحه ۱۴۳ سطر ۱: مالیدن رویه من بر سر دماغ را تازه می‌کند.

صفحه ۱۶۴ سطر ۴ از قول علف ماست: ماستی که با علف ماست ساخته شود دیرتر ترش می‌شود و اکسیر طول عمر در آن خیلی بیشتر از ماست‌های معمولی است.

■ کتاب طب و بهداشت

ابتدا به نقل علل برخی از بیماری‌ها از این کتاب می‌پردازیم. سپس مروری سریع به بخش‌های دیگر کتاب می‌اندازیم:

صفحه ۶۸

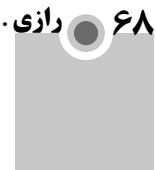
■ خوردن کلیه گوسفند و تودلی‌های آن مثانه را تغییر می‌دهد.

■ جماع با زن حیض طفل را به خطر جدام می‌اندازد.

■ بول نکردن بعد از عمل مجامعت مولد سنگ مثانه می‌گردد.

■ پر خوردن تخم مرغ کبابی باعث ضیق نفس و تنگی سینه می‌گردد.

■ خوردن گوشت خام مولد کرم معده در شکم است.



«ناصر روانبخش در روزنامه یک حمله طرفداری احمقانه از (پاستور) و امثال آن نموده و یک حمله احمقانه به فدوی نموده است که اگر شعور و معرفت داشته باشد فدوی را یک نفر (نابعه) معرفی می‌نمود. (یعنی خردکننده و نابودکننده پاستور و امثال آن) ای ناصر روانبخش این اجنبی پرست و خائن جان و مال ملت ایران و ای دایه مهربان تر از مادر (ابداً) حرف‌های مزخرف تو قابلیت جواب دادن را ندارد) آقایان عظام، ملت محترم و نجیب ایران به شما تذکر! به عرض می‌رسانم (خارجی‌ها کوچکترین اطلاعاتی از علم طب و اکتشافات و صنایع و غیره از هر قبیل ابداً نداشتند بلکه خوراک ایشان خرچنگ و امثال آن بود و کسی که خوراکش خرچنگ و امثال آن باشد ابداً علم و معرفت و کمال صنایع را ندارد و یک پارچه وحشی حيله‌باز بودند).

آقایان تمام صنایع و علم طب و دواسازی و غیره از هر قبیل مال ایرانی است و ملک طلق موروثی ایرانی می‌باشد و دزدان اجنبی از قبیل «پاستور» و امثال آن این علم شریف طب و صنایع و غیره ایرانی را از ایرانی دزدیدند و بردند و صورت ظاهر علم نامبرده را عوض کردند یعنی دواها را ابتدا به اسم جوهر و حالیه به اسم آمپول به نام خودشان در دنیا معرفی نمودند.

ضمناً با تبلیغات غلط و باطل ملت ایران را از منبع ثروت و هستی خود که علم شریف طب و غیره باشد به کلی بی‌اطلاع نمودند که ملت بدبخت ایرانی از روی بی‌اطلاعی دست سؤال و گدایی به سوی اجانب دراز نمودند از برای معالجه امراض خود به علاوه چندین سال است که ملت بدبخت ایران را با حيله و تزویر توسط (جوش شیرین) و (ساکارین)

(فسفر)، (جوهر لیمو)، (امانیاک) و غیره که داخل قند و شیرینی و لیماناد و (بستنی) و طب جدید و دواهای فرنگی و غیره می‌نمایند عموم ملت را به انواع صعب‌العلاج و مهلک مبتلا نموده‌اند که فوج فوج ملت ایران را به قبرستان می‌فرستد. ای کاش که علم طب ایرانی را دزدیدند و بردند معالجه امراض ایرانی را با همین علم شریف طب ایرانی می‌نمودند بلکه علم شریف نامبرده را بردند برای معالجه خودشان و ملت بیچاره ایرانی را متدرجاً مسموم می‌کنند و ملت هم به کلی بی‌اطلاع می‌باشند و مدام با مرگ مصنوعی به قبرستان می‌روند.

ای ناصر اجنبی پرست، تو دلت به حال (پاستور دزد) و امثال آن می‌سوزد و به من حمله احمقانه می‌کنی اما دلت به حال این ملت بدبخت ایرانی نمی‌سوزد که فوج فوج به دیار عدم رهسپار می‌شوند و از برای این ملت بدبخت زبانت لال می‌باشد.» آری چنین است درجه معرفت بسیاری از کسانی که در زمینه پزشکی به شیادی می‌پردازند. چه این شیادی از روی آگاهی و چه از روی ناآگاهی و نادانی باشد.

اکنون به گروه دیگری از متخصصین اشاره می‌کنیم که صداقت علمی و اصول حرفه‌ای و تخصصی خود را زیرپا گذاشته و ادعاهای خود را مستقیماً به افراد غیر حرفه‌ای و غیرمتخصص عرضه می‌دارند. این گروه که به ویژه پس از انقلاب امکان رشد یافتند و دکان دونیش باز کردند گروه تحصیل کرده‌ای بودند که عوامل مختلفی آن‌ها را در جهتی خلاف صداقت علمی تحرک می‌داد. از جاه‌طلبی و شهرت‌جویی گرفته تا کسب موقعیت‌های اجتماعی یا جلب توجه منابع

رشته عرضه شده و پس از نقد و بررسی و انجام آزمایش‌های متعدد در همان زمینه و یا در زمینه‌های وابسته به آن به تدریج به شکل یک نظریه، یا یک واقعیت علمی، و یا یک محصول جدید عرضه شود. معمولاً هم این جریان سال‌ها و در بسیاری از موارد چندین دهه طول می‌کشد. مثلاً کشف ساختمان DNA توسط جیمز واتسون و فرانسیس کریک (که یکی از بزرگترین کشفیات قرن بیستم و شاید مهم‌ترین کشف در زمینه زیست‌شناسی بود که تاثیر عظیمی بر بیشتر علوم از جمله پزشکی و کشاورزی گذاشت) در سال ۱۹۵۳ و پذیرفته شدن آن توسط جامعه زیست‌شناسان جهان و دریافت جایزه نوبل در سال ۱۹۶۲ یعنی ۹ سال بعد بود که فاصله بسیار کوتاهی است در مقایسه با اکتشاف و فاصله زمانی تا دریافت جایزه نوبل. در همین مدت کوتاه هم آزمایشگاه‌ها و مراکز تحقیقات متعددی در سراسر جهان به روش‌های مختلف کشف این دو محقق را تایید کردند. حال این را مقایسه کنید با ادعای بعضی از مکتشفین وطنی که با چند مدرک علمی و چند کتاب و مقاله خود را نامزد جایزه نوبل می‌کنند و توقع دریافت آن را هم دارند!

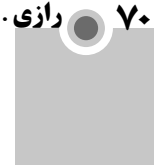
یکی از این مکتشفین جناب دکتر فریدون باتمانقلیچ است که کشف خود را در حد انقلابی در پزشکی اعلام کرده است. ایشان مدعی است که ناگهان کشف بزرگی کرده است به نام آب درمانی و کشف خود را با نوشتن کتاب و تبلیغات در تلویزیون به فروش رسانده و تعداد زیادی از بیماران مبتلا به فشارخون و بیماری‌های قلبی را با این روش درمان خود احتمالاً تا سرحد مرگ و یا به کام مرگ فرستاده است. (رجوع کنید به مقاله دکتر محمدجعفر

قدرت اجتماعی برای به دست آوردن ثروت‌های مصادره شده و یا کسب ثروت‌های جدید. علاوه بر سروصدایی که بعضی‌ها در سال‌های ۵۹ و ۶۰ در مورد کشف و تهیه پنی‌سیلین کردند و حتی مدعی تولید انبوه آن شدند (که هیچ کدام کار نو و جدیدی نبود) کسان دیگری بودند که همه عوامل فوق را یک جا در خود داشتند: یعنی کتابی نوشتند، مدعی شدند کشفی انقلابی و جهانی کرده‌اند، و سپس خود را افرادی مؤمن به دین و انقلاب جازند و ادعای بازپس‌گیری میلیون‌ها تومان املاک مصادره‌شان را داشتند. وجه مشترک افراد این گروه این است:

■ با استفاده از جو حاکم مذهبی خود را فردی معتقد و مؤمن، از خانواده روحانی، سید و یا متدین به دین اسلام جا می‌زنند. در حالی که این موضوع ربطی به قضیه اصلی یعنی کشف علمی ایشان و اهمیت و کاربرد کشف آن‌ها ندارد. دلیل چنین تظاهری جلب توجه رهبران و مسؤولین امور و استفاده و معرفی خود برای کسب مقاصد شخصی است.

■ در مورد مدارک و تحصیلات عالی خود و زحمتهای خود برای کسب این مدارک علمی صحبت می‌کنند که باز هم ربطی به اصل قضیه یعنی کشف آن‌ها و درستی و صحت آن ندارد.

■ سروصدای آن‌ها همیشه از روزنامه‌های عمومی و مجلات غیرتخصصی آغاز می‌شود و همیشه همراه با چاپ عکس آن‌هاست. در حالی که هرگونه کشف علمی ابتدا باید پس از عرضه در نشریات تخصصی آن علم در معرض قضاوت متخصصان همان رشته قرار گرفته سپس در مجامع و کنفرانس‌های علمی متخصصان همان



هاشمی، متخصص کلیه در مورد آسیب‌های زیادی که بیماران او با انجام توصیه‌های دکتر باتمانقلیچ و نوشیدن آب به جای داروهای خود دیده‌اند. کیهان، دوشنبه، ۷ بهمن ۱۳۷۰).

دکتر باتمانقلیچ کتابی به سبک دفترچه خاطرات با توضیح بعضی بیماری‌ها و مطالبی کلی درباره فیزیولوژی نوشته است. کسی که خود را پزشک می‌خواند و مدعی یک کشف بزرگ در حد انقلاب پزشکی شده به جای ایراد روش‌های تحقیق و بررسی خود یک سلسله داستان‌های مختلف را دنبال هم کرده است و به جای نتایج حاصل از این کشف (یعنی آب‌درمانی) فتوکپی نامه بیمارانی را که فکر می‌کنند درمان شده‌اند در کتاب خود چاپ کرده است. از جمله بیماری که «دیسک مهره‌اش توسط ایشان با یک کار فیزیکی در مدت سی دقیقه» بهبود یافته است.

علاوه بر آن ایشان در آن کتاب در مورد دینداری خود و رهایی میلیون‌ها تومانش از دست نهادهای انقلابی شرح مبسوطی داده است. در همان کتاب دو صندوق پستی و آدرس بانکی برای دریافت پول و کمک‌های مالی جهت موقوفه‌شان اعلام کرده است. (نگارنده با هر دو آدرس در آمریکا مکاتبه کرد که متأسفانه هر دو نامه برگشت داده شد و پست اطلاع داد چنین آدرس‌هایی وجود ندارد، هم‌چنین با وکیل ایشان آقای برکن که موقوفه را به ثبت رسانده‌اند و آدرس و تلفن‌شان در همان کتاب آمده است تماس گرفتم و ایشان گفت چهار - پنج سالی است که از ایشان بی‌خبرم).

از آنجایی که ایشان در کتابشان نوشته بودند «دو دانشگاه بزرگ مطلب را خیلی جدی شناخته‌اند»

و «بررسی درمان فشار خون با آب را آغاز کرده و به کمک موقوفه متخصص محققى را به منظور تنظیم برنامه گسترده‌ای برای بررسی و ارزشیابی اثر درمان‌کننده آب در بیماری‌های مورد بحث به استخدام درآورده است» و فتوکپی نامه آقای میشل لیت از دانشگاه پنسیلوانیا را هم در کتاب چاپ کرده بودند نگارنده بر آن شد با ایشان تماس بگیرد. ایشان گفتند که چهار - پنج سال پیش دکتر باتمانقلیچ آمدند اینجا و آزمایش‌هایی هم کردیم که نتیجه نگرفتیم و ایشان از اینجا رفت.

وجدان سالم پزشکی و صداقت علمی برای کارهای علمی و تحقیقاتی چنین روش‌های خودستایی و سودجویی را به هیچ‌وجه تایید نمی‌کند. متخصصی که چنین کتابی را می‌خواند در همان نگاه اول می‌فهمد که ایشان از الفبا تحقیق علمی و روش پژوهش در علوم پزشکی بی‌اطلاع است اما خوب می‌داند چگونه افراد عادی و عامی را جذب کند.

از کسان دیگری که مصاحبه‌های پی‌درپی رادیویی و تلویزیونی داشته‌اند جناب دکتر و یا آن‌چنان که خود می‌گویند «پروفیسور» نوی است که خود را نامزد جایزه نوبل معرفی کرده و کار صدها محقق برجسته و مراکز تحقیقاتی جهان را که همه ساله در کار معرفی نامزدهای جایزه نوبل هستند آسان کرده است. مصاحبه ایشان با مجله ره‌آورد دانش (سال دو، شماره یک و دو) و ادعاهای بزرگ و غیرمستند ایشان در مورد خودشان بدون توضیح کافی در مورد کشفیات و تحقیقاتشان به جز آن که می‌گویند اثبات کرده است که رازی ایرانی بوده است! و این که جدیدترین تحقیقاتشان افزایش

متعددی به زبان فارسی و انگلیسی چاپ می‌شود آیا بهتر نبود این مکتشفین طبق روال اخلاق علمی ابتدا در این مجلات کشف خود را اعلام می‌کردند و بهترین متخصصان رشته را همراه خود می‌کردند تا روزنامه‌های روزانه و مجلات غیر تخصصی؟ از همه این مدعیان باید پرسید در کدام سمینار تخصصی شما این نظریات خود را اعلام کردید و چه پاسخی از متخصصان رشته مربوطه گرفتید؟

آن چنان که پس از خواندن متن همه مصاحبه‌ها بر می‌آید به نظر می‌رسد که همه خبرنگارانی که با چنین اشخاصی مصاحبه کرده‌اند افراد حرفه‌ای نبوده و بیش از آن که با مصاحبه شونده مقابله کرده و او و صحت ادعاهایش را، اگر نه در طی مصاحبه بلکه پیش از آن، بررسی و تحقیق کنند، هم‌چون بلندگوی همدلی همه اظهارات چنین افرادی را بدون کوچکترین انتقاد و یا بررسی پخش کردند. چه خوب بود چنین خبرنگارانی اگر بضاعت پزشکی نداشتند دست کم با همکاری یک فرد مطلع در امور پزشکی پیش از مصاحبه و یا حتی هنگام مصاحبه و یا پس از مصاحبه چنین ادعاهایی را بررسی می‌کردند، و از توهم تعداد کثیری از بیماران ساده‌دل و بی‌اطلاع که صرفاً به اعتبار عنوان دکترای این اشخاص و یا مصاحبه تلویزیونی و یا چاپ کتاب آنان به اجرای رهنمودهای پزشکی آنان می‌پرداختند جلوگیری می‌کردند.

طول عمر از طریق ژنتیک است! و تاکید ایشان در مورد زندگی و فضایل و مناقب شخصی‌شان متخصصین پزشکی را به تاسف وامی‌دارد.

شخص دیگری روی دست دکتر باتمانقلیچ بلند شده است و به جای آب با اکسیژن بیمار را درمان می‌کند و در کیهان هوایی (و شاید مجلات دیگر) به معرفی خود (همراه با چاپ عکس) پرداخته است دکتر پاکدامن است. روش ابتکاری ایشان اکسیژن درمانی خوراکی است که آن‌طور که خودشان می‌گویند «علاوه بر سرطان در درمان ناراحتی‌های دستگاه گوارش مانند ترش کردن، درد معده، سنگینی معده و تورم معده اثرات مثبت داشته است. هم‌چنین برای درمان میگرن، بیماری‌های چشمی، نقص میدان بینایی و اختلال در خواب، اختلال در سیستم گردش خون، بیماری‌های تنفسی به کار می‌رود» و طبق اظهار ایشان هیچ گونه پیامد منفی هم دربر ندارد. آیا چنین ادعاهای بزرگی برای محلول اکسیژن در آب و درمان تعداد زیادی از بیماری آن هم در یک روزنامه هوایی نشانه‌ای از صداقت علمی است؟ چرا ایشان این ادعای پزشکی خود را به جای چاپ در نشریه‌های عمومی و عرضه به کسانی که تخصص و صلاحیت اظهارنظر در امور پزشکی را ندارند با چاپ در نشریه‌های تخصصی پزشکی در معرض قضاوت همکاران و متخصصین این رشته نمی‌گذارد. هم‌اکنون در ایران نشریه‌های پزشکی تخصصی

